

## نگاهی اجمالی به اشتراک‌های ایران و جمهوری آذربایجان

well/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

با وجود جدایی آذربایجان از ایران، سنت و رسوم فرهنگی و آیینی در میان مردم به حیات خویش ادامه داد. برپایی مراسم سوگواری در روز عاشورا، برگزاری جشن عید غدیر و پخش کردن شیرینی و شربت در تمام مسجدها و محله‌ها همچنین برگزاری جشن نوروز در این از کشور نشانه‌ی پیوند و اشتراک‌های فرهنگی و تاریخی جمهوری آذربایجان با ایران است. سرزمین واقع در شمال رود ارس که در جنوب رشته کوه قفقاز و در کنار دریای خزر قرار گرفته است در عهد باستان، «آلبانیا» خوانده می‌شد. در آثار مورخان و جغرافی دانان اسلامی نام «الران» و «اران» برای این منطقه ذکر شده است. «اران» تا زمان انعقاد عهدنامه‌ی گلستان و ترکمانچای بخشی از قلمرو ایران محسوب می‌شد. با وجود جدایی این سرزمین از ایران، سنت و رسوم فرهنگی و آیینی در میان مردم به حیات خویش ادامه داد. برپایی مراسم سوگواری در روز عاشورا و برگزاری جشن نوروز در این کشور نشانه‌ی پیوند و اشتراک‌های فرهنگی و تاریخی جمهوری آذربایجان با ایران است.

نگاهی به تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان

آلبانیایی قفقاز در دوره‌ی مادها و هخامنشیان تحت تابعیت ایران قرار داشت. [1] این حکومت در دوره‌ی زمامداری «سلوکیان» استقلال بیش تری داشت. [2] از قرن اول پیش از میلاد تا قرن چهارم میلادی، آلبانیا چندین بار به دست ایران و روم فتح شد. در سال 469م. با انقراض پادشاهی آلبانیا، این منطقه به تصرف ایران درآمد [3] ولی پس از مدتی ارانشاهان در این منطقه قدرت را در دست گرفتند. پس از ظهور مهرانیان در اواخر قرن ششم که از خویشاوندان «خسرو پرویز» بودند، ارانشاهان منقرض شدند. [4] پس از ورود اعراب و انقراض حکومت مهرانیان، از سوی خلفا والی برای اداره‌ی این منطقه تعیین می‌شد.

از قرن سوم هجری ساجیان، سالاریان و شدادیان بر اران حکومت کردند. با ورود ترکان در قرن یازدهم میلادی/ پنجم هجری و حکومت سلسله‌های ترک زبان بر اران و شروان [5] زبان بومی مردم این مناطق به ترکی تغییر یافت. با شکست آق‌قویولون‌ها در قرن دهم هجری، این مناطق توسط شاه «اسماعیل صفوی»، فتح شد ولی در زمان شاه «طهماسب» دولت عثمانی اران و شروان را تحت سلطه‌ی خود درآورد. [6] شاه «عباس» در سال 1606م./ 1015ق. اران [7] و شروان را به ایران بازگرداند. [8]

در قرن دوازدهم هجری قمری در منطقه‌ی اران و شروان، خان‌های شیخ‌نشین‌های قراباغ، شکی، شروان، گنجه، باکو، نخجوان، قبه و دربند تحت تابعیت ایران پدید آمد. «الکساندر اول» امپراتور روسیه در سال 1801م./ 1215ق. سیاست پیشروی در قفقاز را مد نظر قرار داد و برای رسیدن به مقاصد خود، فرمانده‌ای روسی به نام «سیسیانف» را به این منطقه اعزام کرد. بعضی از خوانین که در رأس آنان خان قراباغ قرار داشت، برای حفظ حکومت خود و رهایی از پرداخت مالیات به حکومت قاجار نسبت به حکومت روسیه، اظهار اطاعت کردند. [9] البته خان گنجه، «جوادshy&خان» به همراه مردم مسلمان این شهر در مقابل روس‌ها ایستادگی کرد و در پی جنگ با نیروهای روسیه در سال 1803م./ 1218ق. کشته شد. [10]

افزون بر گنجه، بسیاری از مردم ترک زبان خان‌نشین‌های دیگر نیز از تسلط حکومت روسیه بر مناطقشان ابراز نارضایتی می‌کردند. بعد از انعقاد قرارداد گلستان و جدایی سرزمین‌های قفقاز از ایران، خوانین قفقاز که متوجه حقیقت سیاست‌های روسیه شده بودند، ضمن فرار از مناطق تحت فرمان خود به ایران پناهنده شدند. [11] مردم ساکن این مناطق نیز با ارسال نامه به علما ضمن بیان نارضایتی از حکومت روسیه و ذکر سیاست‌های خشن آنان نسبت به مسلمانان، خواهان کمک دولت ایران شدند. [12] در طی جنگ‌های دوم ایران و روسیه طرز برخورد ظالمانه‌ی مأموران حکومت روسیه با مسلمانان موجب مهاجرت بسیاری از ترک‌shy&زبانان به ایران شد. [13] پس از انعقاد قرارداد ترکمانچای با وجود جدایی اران و شروان از ایران، عوامل دیگری موجب نزدیکی مردمان این دو سرزمین نسبت به یک دیگر می‌شد.

آثار باستانی

تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان موجب شده آثار باستانی فراوانی از تمدن ایرانی در جمهوری آذربایجان یافت شود. برخی از این آثار متعلق به دوره‌ی ساسانی است. پادشاهان این سلسله به منظور حفاظت از مرزها در برابر حملات رومیان، بناها و قلعه‌های نظامی متعددی در شهرهای اران ساختند. [14] در شهر باکو برج «دختر» یکی از آثار به جای مانده‌ی دوره‌ی ساسانی است. سال 2007م./ 1386 نیز یک بنای تاریخی متعلق به دوره‌ی هخامنشیان در 367 کیلومتری غرب باکو کشف شد. وجود این آثار باستانی در جمهوری آذربایجان نشانه‌ی پیوند ناگسستنی فرهنگ و تمدن هر دو کشور است و این مسأله حاکی از آن است که مردم این سرزمین در غنای فرهنگ و تمدن ایرانی نقش به‌سزایی داشته‌اند.

تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان موجب شده آثار باستانی فراوانی از تمدن ایرانی در جمهوری آذربایجان یافت شود. برخی از این آثار متعلق به دوره‌ی ساسانی است. پادشاهان این سلسله به منظور حفاظت از مرزها در برابر حملات رومیان، بناها و قلعه‌های نظامی متعددی در شهرهای اران ساختند.

خط و زبان فارسی

با الحاق آذربایجان قفقاز به روسیه، خط و زبان فارسی در میان مردم این سرزمین مقام خود را حفظ کرد. تألیف کتاب «گلستان ارم» توسط «عباس قلی آفاق‌دسی» معروف به «باکی خانوف» در سال 1841م./ 1257ق. نشانه‌ی تداوم حیات زبان فارسی در این منطقه است. [15]

ولی اوایل قرن بیستم به دلیل عدم توجه حکومت وقت ایران به لزوم گسترش خط و زبان فارسی در قفقاز و سیاست سرکوب‌گرانه‌ی نظام تزاری روسیه، این زبان به تدریج به فراموشی گرایید. [16] در دوران حکومت شوروی بر آذربایجان قفقاز [17]

با جایگزینی خط لاتین و سیریلیک به جای خط فارسی، این روند تشدید شد. در طول تاریخ، شعرا و نویسندگان بسیاری در آذربایجان قفقاز آثار خود را به خط و زبان فارسی نوشتند. در حال حاضر مردم جمهوری آذربایجان به دلیل تسلط نداشتن به زبان فارسی، قادر به مطالعه‌ی منابع مهم تاریخی و دیوان اشعار شعرا بزرگی مانند «مجیرالدین بیلقانی» و «مهستی گنجوی» نیستند. میان زبان آذری و فارسی وجوه مشترک فراوانی از نظر اعلام جغرافیایی، لغات و اصطلاحات و تعبیرات وجود دارد. این عناصر مشترک نشانه‌ی پیوند تاریخی مردم دو سرزمین است.

با الحاق آذربایجان قفقاز به روسیه، خط و زبان فارسی در میان مردم این سرزمین مقام خود را حفظ کرد. تألیف کتاب «گلستان ارم» توسط «عباس قلی آفاق‌دسی» معروف به «باکی خانوف» در سال 1841م./ 1257ق. نشانه‌ی تداوم حیات زبان فارسی در این منطقه است.

جشن نوروز

در کشور جمهوری آذربایجان هر سال با آغاز فصل بهار، جشن نوروز برگزار می‌شود. در دوران حکومت شوروی، مردم از برگزاری مراسم تاریخی و دینی خود منع می‌شدند. ولی پس از استقلال جمهوری آذربایجان در اکتبر 1991م. نوروز به آیین رسمی این کشور تبدیل شد. مردم جمهوری آذربایجان از عید نوروز به عنوان عید صلح، دوستی و وحدت یاد می‌کنند. انجام خانه‌تکانی، مراسم چهارشنبه‌سوری، دید و بازدید، پهن کردن سفره‌ی هفت‌سین و پختن سمنو از جمله رسوم مشترک میان مردم ایران و جمهوری آذربایجان است. [18]

مردم آذربایجان قفقاز از قرن هفتم هجری نسبت به مذهب تشیع تمایل زیادی داشتند. از دوره ی صفویه با توجه به رسمی شدن مذهب تشیع به عنوان دین رسمی ایران، هر سال مراسم سوگواری در روز تاسوعا و عاشورا در ایران و آذربایجان قفقاز با شکوه خاصی برگزار می شد. پس از جدایی این سرزمین از ایران طی قرارداد گلستان و ترکمانچای مردم آذربایجان قفقاز بر خلاف خواست نظام تزاری روسیه و حکومت عثمانی [19] بر عقیده ی خویش استوار ماندند. مردم این سرزمین با وجود سخت گیری های دولت شوروی به صورت مخفیانه درصدد برگزاری مراسم تاسوعا و عاشورا بر می آمدند. با توجه به این که کشور جمهوری آذربایجان دومین کشور شیعه ی جهان محسوب می شود، بعد از فروپاشی نظام شوروی تا حال حاضر، مردم این کشور با وجود عدم حمایت دولت هر سال این مراسم را برگزار می کنند. روح و هویت ایرانی در مرثیه خوانی، سینه زنی و تعزیه ی مردم آذربایجان قفقاز نمود بارزی دارد. [20]

اعیاد مذهبی

همان­طور که مردم ایران عید بزرگ شیعیان یعنی عیدغدیر را جشن می گیرند، مردم جمهوری آذربایجان نیز پس از سرنگونی نظام شوروی، این عید را هر سال برگزار کرده و در تمام مسجدها و محله ها شربت و شیرینی پخش می کنند. از دیگر اعیاد مهم اسلامی در ایران و جمهوری آذربایجان، می توان به اعیاد فطر و قربان اشاره کرد.

امید است ایران و جمهوری آذربایجان به عنوان دو کشور همسایه و هم مذهب با وجود اختلاف ها و مشی سیاسی متفاوت، در سایه ی اشتراک های تاریخی، فرهنگی و دینی به روابطی مستحکم دست یابند و پیوندهای تاریخی و فرهنگی موجب تعمیق روابط ایران و جمهوری آذربایجان شده و نقش تعیین کننده ای در افزایش همکاری بین دو کشور داشته باشد. (\*)

پی&نوشت&:rlm;ها:

- [1] - رضا، عنایت الله. آذربایجان و اران. تهران: انتشارات ایران زمین، 1360، ص 117.
  - [2] - --. اران از دوران باستان تا عهد مغول. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص 291.
  - [3] - باغداساریان، ادیک. تاریخ آرتساخ. تهران: باغداساریان، 1380. ص 6.
  - [4] - رضا، اران، ص 367.
  - [5] - در این قرون تنها به سرزمین های واقع در میان دو رود کورا ارس اران اطلاق می شد. حمدالله مستوفی در کتاب خود سرزمین های آن سوی رود کر را شروان می نامد.
  - [6] - هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا جنگ جهانی دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر، 1369. ص 56.
  - [7] - بخشی از منطقه ی اران به نام قراباغ کوهستانی از مناطق مورد اختلاف میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان است.
  - [8] - قاجار، بهمن میرزا. شکرنامه ی شاهنشاهی. به کوشش حسین احمدی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، 1384. ص 63.
  - [9] - سپهر، محمدتقی. ناسخ التواریخ. به کوشش جمشید کیان فر. تهران: انتشارات اساطیر، 1377. 124.
  - [10] - مفتون دنلی، عبدالرزاق. مآثرالسلطانیه. تاریخ جنگ های ایران و روس. به کوشش غلام حسین صدیقی افشار. تهران: انتشارات ابن سینا، 1351. ص 108-109.
  - [11] - آدی گوزل بیک، قراباغ نامه. ص 72.
  - [12] - وقایع نگار مروزی، میرزا محمد صادق. تاریخ جنگ های ایران و روس. به تصحیح امیر هوشنگ آذر. بی جا: ناشر مصحح، 1369. ص 232.
  - [13] - اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. تاریخ منتظم ناصری. به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب. 1367. ص 1572-1571.
  - [14] - محمد بهمنی قاجار. «نمادهای ایران باستان در آذربایجان قفقاز». <http://www.tebyan.net>
  - [15] - این نویسنده که در سال 1794م. در باکو متولد شد، بیش تر آثار خود را به زبان فارسی نوشته است.
  - [16] - اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال 1324ق، کارت 7، پرونده ی 7، ص 35.
  - [17] - بعد از انقلاب روسیه و فروپاشی نظام تزاری سه کشور ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان در سال 1918م. به استقلال رسیدند. ولی دوران استقلال بسیار کوتاه بود. در سال 1920م. رژیم شوروی در کشورهای قفقاز مستقر شد.
  - [18] - امیر احمدیان، بهرام. «عید نوروز در جمهوری آذربایجان» آران. س 9. ش 26، 27. زمستان 89 و بهار 90. ص 21-7.
  - [19] - حکومت عثمانی به دلیل این که مذهب شیعه باعث نزدیکی هر چه آذربایجان قفقاز به ایران می شد. مخالف برگزاری مراسم عاشورا در این منطقه بود.
  - [20] - نیکبخت، رحیم. «هویت ایرانی در ادبیات عاشورا»، مجموعه مقالات همایش بین المللی نقد و بررسی منابع مطالعاتی آذربایجان و اران. به کوشش حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1389. ص 218-211.
- محدثه عابدینی؛ کارشناس ارشد تاریخ
- پایان پیام.